



مرضیه همایونی
روزنامه‌نگار

ساعت ۹ صبح گذشته بود که مرد میانسال وارد ساختمان دو طبقه قدیمی شد. او مدتی قبل ساختمان را به انبار لوازم یدکی تبدیل کرده بود و در طبقه پایین کارهای تعمیرات خودرو انجام می‌دادند. غیر از ۴ کارگر افغانستانی، مرد جوانی را برای نگهبانی از انبار استخدام کرده بود. وارد راه پله که شد بهزاد نگهبان انبار را صدا کرد اما جوابی نشنید وقتی می‌خواست از پله‌ها بالا برود یکی از کارگران او را دید و گفت: دیشب صداهای عجیبی از طبقه بالا شنیدیم اما پیگیرش نشدیم فکر کنم آقا بهزاد میهمان داشت. با شنیدن این حرف مرد میانسال به طبقه بالا رفت اما به محض باز کردن در با جسد بهزاد روی لبه پنجره در حالی رو به رو شد که نردبان آهنی روی کمرش افتاده بود.

وقتی با کمک کارگران نردبان را برداشتند مشخص شد بهزاد جان باخته است. با توجه به اینکه احتمال می‌رفت وی از روی نردبان سقوط کرده و مرده است موضوع به اورژانس و پلیس اعلام شد. دقایقی بعد مأموران کلانتری و امدادگران به محل رسیدند اما مرگ مرد ۴۰ ساله تأیید شد. با توجه به مشکوک بودن ماجرا موضوع به بازپرس محمد مهدی براعه اعلام شد.

در بررسی‌های اولیه تیم جنایی و مشاهده جراحات روی بدن بهزاد و نبود هیچ رد و اثری از ضربه ناشی از افتادن نردبان، فرضیه قتل قوت گرفت.

در بازبینی دوربین‌های مداربسته محل جنایت، مشخص شد که بهزاد ساعت ۱۱ شب به همراه مردی همسن و سال خودش وارد ساختمان شده است. اما موضوع عجیب این بود که میهمان بهزاد به سمت دوربین مداربسته رفته و در حالی که دستکش داشته سعی می‌کرد که روی دوربین‌های مداربسته انبار را ببوشاند.

در ادامه مشخص شد حوالی ساعت سه صبح مرد میهمان هراسان و در حالی که دست‌هایش خونی بوده



دیشب صداهای عجیبی از طبقه بالا شنیدیم اما پیگیرش نشدیم فکر کنم آقا بهزاد میهمان داشت. با شنیدن این حرف مرد میانسال به طبقه بالا رفت اما به محض باز کردن در با جسد بهزاد روی لبه پنجره در حالی رو به رو شد که نردبان آهنی نیز روی کمرش افتاده بود

با عجله از خانه قدیمی خارج شده و دوربین‌های ورود و خروج شخص دیگری را نشان نمی‌داد. بدین ترتیب انگشت اتهام به سمت

میهمان ناشناس نشانه رفت.

گنج پنهان

در ادامه تیم جنایی گوشی تلفن همراه بهزاد را بررسی کردند و فیلم‌هایی پیدا شد که در آن بهزاد خطاب به خانواده‌اش گفته بود که بزودی پولدار خواهد شد و برای پدر و برادرش ماشین می‌خرد و بدهی آنها را تسویه و برای برادرش جشن عروسی مجللی برگزار خواهد کرد. همچنین چند فیلم دیگر پیدا شد که از خانه‌ای قدیمی گرفته شده بود و گودالی را در کنار درختی کهنسال نشان می‌داد. در این فیلم مقتول خطاب به مادرش بیان کرده بود که این گودال مشخص نیست به کجا ختم خواهد شد اما به نظر گنجی در آن نهفته است.

از سوی دیگر بررسی پیامک‌های تلفن بهزاد نشان می‌داد وی با فردی به نام هومن اختلاف مالی داشته و هومن حاضر نبوده ۱۴ میلیون تومان بدهی اش به بهزاد را پرداخت کند و سر همین موضوع با هم

اختلاف شدیدی داشته‌اند.

بدین ترتیب تیم جنایی برای به دست آوردن اطلاعات بیشتر به سراغ خانواده بهزاد رفته و به تحقیق از آنها پرداختند. در این تحقیقات مشخص شد بهزاد به آنها قول داده بود بزودی پول زیادی به دست خواهد آورد و مشکلاتشان حل خواهد شد.

هویت قاتل

وقتی پلیس تصویر مرد جوانی را که شب حادثه میهمان بهزاد بود به خانواده‌اش نشان داد آنها بلافاصله او را شناختند و مشخص شد وی همان هومن مرد بدهکار است.

برادر بهزاد گفت: هومن به برادرم گفته بود در مدرسه‌ای که زندگی می‌کرد یک درخت قدیمی در حیاط هست که کنارش یک گودال وجود دارد و داخل آن گنج است. او برادرم را وسوسه کرده بود که اگر آن گنج را بیرون بیاورند زندگی‌شان زبرور می‌شود و پول زیادی به دست می‌آورند بعد به این بهانه از برادرم



جرم راهی محل شده و متخصصان پزشکی قانونی در معاینات اولیه اعلام کردند که وی بر اثر مصرف بیش از حد مواد مخدر، جانش را از دست داده است. در بازرسی بدنی از جسد هومن، جراحات و آثار زخمی به دست آمد که احتمال می‌رفت هنگام درگیری با مقتول ایجاد شده است

حدود ۱۴ میلیون تومان گرفته بود تا وسایل گنج‌یابی بخرد. در ادامه بررسی‌ها دریافتند هومن، مرد ۴۰ ساله‌ای است که

در مدرسه‌ای متروکه و قدیمی در بهارستان زندگی می‌کند و مخارج زندگی اش را از راه پخش کارت‌های تبلیغاتی می‌گذراند.

با به دست آمدن این سرخ و شناسایی هویت متهم، کارآگاهان جنایی راهی محل زندگی هومن شدند.

مأموران پس از هماهنگی‌های قضایی با بازپرس جنایی، راهی مدرسه متروکه شده و داخل یکی از اتاق‌ها با جسد هومن در حالی مواجه شدند که بر اثر مصرف مواد مخدر جان باخته بود. با کشف جسد تیم بررسی صحنه جرم راهی محل شده و متخصصان پزشکی قانونی در معاینات اولیه اعلام کردند که وی بر اثر مصرف بیش از حد مواد مخدر، جانش را از دست داده است.

در بازرسی بدنی از جسد هومن، جراحات و آثار زخمی به دست آمد که احتمال می‌رفت هنگام درگیری با مقتول ایجاد شده است. از سویی اثر انگشت او با اثر انگشت به دست آمده در صحنه قتل مقایسه شد و تیم تشخیص هویت اداره آگاهی اعلام کرد که آثار انگشت با هم مطابقت داشته است و حضور متهم در شب حادثه در خانه مقتول اثبات شد. با توجه به اینکه قاتل و مقتول هر دو جان باخته بودند با این فرضیه که هومن و بهزاد شب حادثه بر سر بدهی ۱۴ میلیون تومانی با هم درگیر شده و بهزاد به قتل رسیده باشد پرونده برای تحقیقات بیشتر در اختیار کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی قرار گرفت. در ادامه بررسی‌ها کارآگاهان، به سراغ درخت قدیمی داخل حیاط مدرسه متروکه رفتند و مشخص شد این همان درختی است که در فیلم دیده شده بود. بدین ترتیب کارشناسان با بررسی گودالی که کنار درخت بود دریافتند این گودال بر اثر نشست زمین ایجاد شده است و احتمال وجود گنج در آنجا بسیار کم است. با این حال بازپرس شعبه سوم دادسرای امور جنایی تهران دستور داد تا کارشناسان سازمان میراث فرهنگی به بررسی گودال بپردازند و مشخص شود آیا احتمال اینکه دفینه یا عتیقه‌ای در آنجا دفن شده است وجود دارد یا خیر؟

گنج‌هایی که جان می‌گیرند

هشدار / افسانه‌هایی که از دیرباز درباره گنج و یافتن دفینه دهان به دهان گشته همیشه برای عده‌ای وسوسه‌کننده بوده تا حدی که برخی حاضرند برای دستیابی به این گنج‌های با ارزش از جانشان مایه بگذارند. در سال‌های اخیر برخی به دلایل مختلف از جمله مشکلات مالی و برخی دیگر به خاطر یک‌شنبه پولدار شدن

به دنبال یافتن گنج هستند. شاید این راه برای دستیابی به ثروت به ظاهر ساده باشد اما در واقع خطرات بسیاری در این راه نهفته است چرا که این راه انتهای نامعلومی، دارد و گاهی ممکن است بدون بازگشت باشد.

در این سال‌ها رسیدن به گنج شاید برای برخی پایان خوشی داشته اما در بیشتر مواقع

جویندگان گنج یا جانشان را در این مسیر گذاشته‌اند یا قربانی عده‌ای کلاهبردار شده‌اند. بسیاری از قاچاقچیان عتیقه بعد از کشاندن طعمه‌هایشان به بیابان‌های خلوت، پول‌هایشان را سرقت می‌کنند و طعمه‌هایشان را به قتل می‌رسانند.

به دست آوردن پول، گاهی برخی را دچار جنون می‌کند.

آنها در این راه حاضرند هر چیزی را از سر راه‌شان بردارند. حتی دوست صمیمی‌شان را! متأسفانه در پرونده‌ای که در بالا به شرح آن پرداختیم می‌بینیم که مردی معتاد به بهانه یافتن گنج دوستش را فریب داده و وقتی دوستش پول خود را طلب کرده به او وعده یافتن گنج و فروش عتیقه‌های واهی را داده

و در نهایت او را قربانی کرده است. در سال‌های اخیر به علت نوسانات اقتصادی، گرانی و بدتر شدن وضع معیشت مردم، بسیاری از جوانان به خاطر خلاصی از بحران مالی به سمت جست‌وجوی گنج و قاچاق و خرید و فروش اشیاء عتیقه می‌روند که راهی بس خطرناک است. با اینکه پلیس و مسئولان

میراث فرهنگی بارها در این باره هشدار داده‌اند اما همچنان عده‌ای در این سرزمین کهن که میراث گرانبهایی دارد در پی رسیدن به گنجینه‌های با ارزش نیاکان هستند تا به نان و نوایی برسند غافل از اینکه پلیس و میراث فرهنگی با این افراد با جدیت برخورد خواهد کرد و مجازات سختی در انتظارشان است.